

مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)

احمد سلحشوری^۱

محمدجواد یدالهی فر^۲

معصومه خنکدارطراسی^۳

چکیده

یکی از ابعاد تربیت، تربیت سیاسی است که نظام‌های سیاسی از طریق آن می‌توانند ارزش‌های خاص خود را در افراد نهادینه کنند. با ظهور دورهٔ رنسانس، در مفهوم تربیت سیاسی تغییر و دگرگونی رخ داد که باعث چرخش سیاست از اخلاق به سمت قدرت شد و این چرخش پایه و اساس تربیت سیاسی غرب را شکل داد، اما در دیدگاه اسلام سیاست در خدمت اخلاق و تربیت است. این مقاله درصدد بررسی مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر امام خمینی(ره) است، بنابراین، با توجه به دیدگاه امام(ره) که برگرفته از اسلام است، امام(ره) موضوع سیاست را تربیت می‌داند. ایشان تربیت سیاسی را روی آوردن آزادانه و آگاهانه به سمت ارزش‌های الهی می‌داند و بر این اساس، عمده‌ترین مبانی تربیت سیاسی را از منظر امام(ره) می‌توان توحیدمحوری، فطرت‌محوری، تزکیه‌محوری، اخلاق‌مداری نام برد و همچنین مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر ایشان آگاهی، خودشناسی، آزادی، استقلال، عدالت ذکر کرد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی(ره)، تربیت سیاسی، مبانی، تربیت سیاسی

Email: ah.salahshoor@gmail.com

Email: yadollahi@basu.ac.ir

Email: masy_khto@yahoo.com

تاریخ تصویب نهایی: ۹۱/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۵

۱- استادیار دانشگاه بوعلی سینا

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه پیام نور

۳- کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه بوعلی سینا

مقدمه

تربیت سیاسی از دوران باستان تاکنون، مورد توجه فیلسوفان و اندیشمندان بوده است. در دیدگاه افلاطون و ارسطو، سیاست بر اساس اخلاق و تربیت و در خدمت آنان بود و موضوع سیاست را تربیت می دانستند (ارسطو، ۱۳۷۸: ۷۰-۸۰)؛ (افلاطون، ۱۳۸۶: ۱۵۰-۱۶۲). اما در دوره رنسانس با ظهور افرادی مانند ماکیاوولی، در مفهوم سیاست انحرافی رخ داد که باعث عوض شدن نقش اخلاق و تربیت شد (اسکینز، ۱۳۷۵: ۷۲-۸۰) و این دو در خدمت تأمین منافع قدرتمندان قرار گرفتند و سیاست هم به منظور حفظ قدرت به کار رفت و اخلاقی کردن حوزه سیاست نه در خدمت انسانیت، بلکه برای تأمین اهداف و منافع شخصی به کار گرفته شد (لواين، ۱۳۸۰: ۱۳۷-۱۴۲). از این زمان به بعد، کم کم سیاست به معنای قدرت در نظر گرفته شد. چرخش موضوع سیاست از تربیت به قدرت باعث شد که قدرت سیاسی جایگزین تربیت سیاسی شود و امروزه تربیت سیاسی فقط در محدوده جامعه شناسی یا به عبارت دیگر، در جامعه پذیر کردن افراد نقش دارد و برای تربیت سیاسی ویژگی‌هایی مطرح می‌شود که نوعاً به معنای پذیرش ظاهری و مورد تصویب بشری است؛ به گونه‌ای که بتواند در فرایند مشارکت سیاسی، نقش بیشتری داشته باشد (عالم، ۱۳۸۲: ۱۱۸)؛ در حالی که تربیت سیاسی در دیدگاه اسلام، به پرورش معنوی و باطنی انسانهای آزاد و با اراده نظر دارد که نه تنها در نحوه سازماندهی زندگی دنیوی، بلکه مصالح و سعادت اخروی را هم فراهم می‌کند، بنابراین، این مقاله به بررسی دیدگاه امام خمینی (ره) در زمینه تربیت سیاسی می‌پردازد. با توجه به این که دیدگاه امام (ره) برگرفته از جهان بینی اسلامی می‌باشد، امام (ره) موضوع سیاست را تربیت می‌داند، نه قدرت. امام (ره) مدام رعایت ارزش‌های انسانی را تذکر می‌دهد، به طوری که دور شدن از ارزش‌های اسلامی و انسانی را به عنوان جدی‌ترین آسیب و شاید تنها آسیب نظام اسلامی می‌داند. در این مقاله، در ابتدا به بررسی تعریف تربیت سیاسی و سپس به بررسی مبانی و مؤلفه‌های آن از دیدگاه امام (ره) پرداخته می‌شود:

۱- مفهوم تربیت سیاسی

درباره تربیت سیاسی تعاریف مختلفی شده است. معمولاً هر تعریف برگرفته از جهان بینی خاصی می‌باشد، بنابراین نمی‌توان تعریف خاصی برای تربیت سیاسی بیان کرد. پس بهتر است که در ابتدا به بررسی خود مفهوم پرداخت. تربیت سیاسی از دو کلمه تربیت و سیاست تشکیل شده است. هنگامی می‌توان از تربیت چیزی سخن گفت که به طبیعت و توانایی‌های درونی آن توجه شود. تربیت از ریشه «رب ب» گرفته شده

است(باقری، ۱۳۸۶: ۵۱-۵۲). بنابراین در امر تربیت باید بر فعالیت‌های آزاد و درونی توجه کرد. هنگامی می‌توان از تربیت انسان سخن گفت که به گوهر انسانی و ارزش‌های که او را از سایر حیوانات جدا می‌کند، توجه کنیم(نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۹).

واژه سیاست از ریشه ساس- یسوس به معنای حکم راندن بر رعیت، اداره کردن حکومت، حاکم، پرداختن به امور مردم بر طبق مصالح‌شان، نگه داشتن ملک و حراست است(معین، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۳۸۲).

سیاست به منزله کوششی برای کسب قدرت(ریمون، ۱۳۶۶: ۱۵)، مطالعه دولت(رودی، ۱۳۵۱: ۳)، مدیریت و تصمیم‌گیری(عبدالحمید، ۱۳۶۵: ۱۵)، رهبری صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها و احزاب و کارهای حکومتی در داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر در یک عرصه جهانی(عالم، ۱۳۸۲: ۳۰)، مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حیات معقول(جعفری، ۱۳۶۹: ۴۷) تعریف شده است. امام(ره) سیاست را هدایت جامعه در جهت مصالح دنیوی و اخروی می‌داند و تأکید می‌کند که سیاست این است که جامعه را هدایت کند و تمام مصالح جامعه را در بر بگیرد و افراد را به طرف آن‌چه که صلاحشان است، هدایت کند، صلاح ملت، صلاح فرد است و این مختص انبیاء است و دیگران از عهده این سیاست و اداره آن بر نمی‌آیند و این مختص انبیاء و ائمه اطهار و علمای بیدار اسلام است(صحیفه نور، ج ۱۳: ۴۳۲). بنابراین امام(ره) سیاست را تدبیر، مدیریت و رشد و پرورش دادن و هدایت کردن افراد جامعه به مصالح دنیوی و اخروی می‌داند. در دیدگاه امام(ره) موضوع سیاست همان تربیت است نه قدرت و اساس عالم را بر تربیت انسان می‌داند(صحیفه نور، ج ۱۴: ۱۵۳).

سیاست به معنای حقیقی در منظر امام(ره) مدیریت، توجیه و نظم‌دهی به زندگی انسان‌ها در مسیر حیات معقول است(جعفری، ۱۳۷۱: ۳۹-۴۰). امام(ره) بین تربیت و سیاست جدایی نمی‌بیند و سیاست را همانند فلاسفه مسلمان دیگر مانند فارابی و ابن‌سینا، از مقوله حکمت عملی می‌داند و حکمت عملی را بیان راهکارها و ارزش‌ها و چگونگی تحقق آن‌ها می‌داند و از این رو سیاست در منظر امام(ره) تبدیل به ارزش می‌شود و با فضیلت مرتبط می‌شود(فتحی، ۱۳۸۸: ۱۶۷-۱۶۵). تربیت در دیدگاه امام(ره) از اهمیت خاصی برخوردار است به گونه‌ای که هدف تشکیل حکومت اسلامی تحقق تربیت انسان کامل و همه جانبه است. مهم‌ترین اهداف پیامبران، پرورش انسان‌ها بر اساس دین توحیدی است و سیاست هم جز جدایی‌ناپذیر این نظام فکری است، زیرا برای پرورش چنین انسانی و تحقق چنین تربیتی بر اساس دین توحیدی نیاز به حکومتی است که به دنبال تحقق چنین اهدافی باشد و امام(ره) سیاست را به معنای راهبری انسان و جامعه در مسیر هدایت الهی می‌داند و تأکید می‌کند که حکومت‌های غیر توحیدی که به

دست غیر انبیاء ایجاد شدند، بینش‌شان در حد طبیعت است و بیش از آن شعاع بینش‌شان نمی‌تواند ببیند. امام(ره) تأکید می‌کند که آن‌ها نمی‌توانند مراتب و مسیر انسان را که از طبیعت شروع می‌شود تا مافوق طبیعت و تا جایی که انسان به مقام الوهیت می‌رسد، را ببیند(صحیفه نور، ج ۸: ۴۱). امام بیان می‌کند که حکومت‌های غیر توحیدی اصلاً کاری به این که مردم الهی بشوند، ندارند، بلکه تمام هم و غم آن‌ها این است که کسی کاری انجام ندهد که به مصالح و حکومت‌شان ضرر برساند، اما انبیاء به انسان کار دارند و به دنبال تربیت انسان چه در خلوت و چه در جلوت هستند(همان: ۴۱۴).

با توجه به موارد بالا می‌توان گفت که تربیت سیاسی از دیدگاه امام(ره) روی آوردن آزادانه و آگاهانه به سمت ارزش‌های والای انسانی است. امام(ره) مدام تأکید می‌کند که تنها نظامی که با انسان چه در منزل و چه در بیرون کار دارد، اسلام است و او به دنبال انسان‌سازی است. اسلام است که می‌تواند انسان را از مرتبه طبیعت تا مرتبه روحانیت و مافوق روحانیت تربیت کند. اسلام آمده که طبیعت را به سمت روحانیت و توحید بکشاند و طبیعت را مهار کند(همان: ۴۱۵).

امام خمینی(ره) از سه نوع سیاست سخن می‌گوید و تنها یکی از این سه را تأیید می‌کند: سیاست شیطانی؛ که دروغ و تزویر، استبداد، دیکتاتوری، سلطه هوای نفس جز ویژگی‌های آن است. نوع دیگری از سیاست از دیدگاه امام(ره) سیاست حیوانی و جسمانی است که با این که در اهداف خود صحیح است و از دروغ و نیرنگ به دور است، اما فقط بعد حیوانی و مادی افراد را در نظر می‌گیرد و هدف آن تأمین مصالح عمومی و اجتماعی است و توجهی به بعد معنوی و روحانی و سعادت اخروی ندارد(صحیفه نور، ج ۱۳: ۴۳۱-۴۳۲). اگرچه سیاست در این نوع سیاست صحیح است، اما تک بعدی است. امام(ره) سیاست راستین را سیاست الهی و اسلامی می‌داند که هم به دنبال مصالح دنیوی و هم اخروی است. از منظر امام(ره) سیاست هدایت و راهبرد جامعه و تأمین مصالح کلی انسان‌ها و حرکت آن‌ها در مسیر فطرت است که از طریق تهذیب، راهنمایی و تربیت آن هم در بستر حکومت اسلامی تحقق می‌یابد.

۲- مبانی تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)

با توجه به جهان بینی امام که سیاست را نوعی هدایت انسان‌ها در مسیر الهی می‌داند و با توجه به نگاه امام(ره) به انسان که مبتنی بر دیدگاه عرفانی - اسلامی است و انسان را موجودی الهی می‌داند(حسینی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۱۸) می‌توان گفت که عمده‌ترین مبانی تربیت سیاسی از منظر امام(ره) عبارتند از: توحیدمحوری، فطرت‌محوری، تزکیه‌محوری، اخلاق‌مداری.

۱-۲. توحید محوری

در دیدگاه امام(ره) حکومت اسلامی، حکومت قانون است. در این نوع حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و دولت اسلامی حاکمیت دارد. پس مهم‌ترین شاخص حکومت اسلامی، حاکمیت قانون است که منبع و منشأ این قانون، حاکمیت خداوند است. از منظر توحیدی، خداوند عالم و قادر و خالق و مالک مطلق همه موجودات است. امام(ره) معتقد است که اسم رب مبدأ همه خلق‌هاست و عالم با اسم رب شروع می‌شود و با اسم رب ختم می‌شود. همه چیز از اوست و به او بر می‌گردد. اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرتبه توحید است(صحیفه نور، ج ۸: ۴۳۳-۴۳۶). امام(ره) ریشه و اصل همه عقاید که مهم‌ترین و بارزترین اعتقادات ماست را اصل توحید می‌داند و معتقد است که این اصل به ما می‌آموزد که انسان‌ها تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشند و از هیچ انسانی اطاعت نباید کرد، مگر این اطاعت، اطاعت امر خدا باشد(صحیفه نور، ج ۲: ۴۴).

در اندیشه سیاسی امام(ره) توحیدمحوری در زندگی سیاسی به معنای حرکت در مسیر سنت، قوانین و نظام اکمل و عادلانه هستی، باور به هماهنگی ماده و معنا، اخلاق و سیاست، تکوین و تشریح، دنیا و آخرت، حاکمیت الهی و مردمی، و حرکت تکاملی و سیر الهی داشتن انسان است.

با توجه به سخنان امام(ره) می‌توان گفت که اگر در عقاید و باورهای افراد پرتو نور الهی طنین افکن شود، تمام آلودگی‌ها رخت بر می‌بندد و در واقع حرکت به سوی توحید او را از انواع تاریکی‌ها دور می‌کند. امام(ره) معتقد بود که علت بسیاری از عقب ماندگی‌ها، کاستی‌ها، پلیدی و ظلم و ستم‌ها و شکاف‌های طبقاتی با ظهور جامعه توحیدی از بین می‌رود، زیرا نفی وابستگی انسان به خود و همه قدرت‌های اجتماعی و ارتباط در همه ابعادش با خداوند، لازمه جهان‌بینی توحیدی است(صحیفه نور، ج ۵: ۳۴). جامعه توحیدی در منظر امام(ره) جامعه‌ای است که همه به فکر خدا باشند. امام(ره) جامعه توحیدی را اقامه‌کننده عدالت، سلطه ستیز و حق‌گرا و طرفدار مستضعفان می‌داند(امام خمینی(ره)، ۱۳۶۸: ۱۰). مقصد همه چیز در جامعه توحیدی براساس معنویت است. طبیعت هم صورتی از الوهیت است. در چنین جامعه‌ای حکومت نه برای سلطه بر مردم، بلکه حکومت جلوه‌ای از جلال الوهیت است و به دنبال تحقق حکومت الله و تربیت انسان‌های الهی است(صحیفه نور، ج ۸: ۴۳۶). می‌توان گفت که ویژگی‌های مؤلفه توحیدمحوری در تربیت سیاسی عبارتند از: حق‌محوری، عدالت‌مداری، کسب رضایت الهی(صحیفه نور، ج ۱۸: ۴۸) و مقصد نهایی آن قرب الهی و الهی شدن انسان است(صحیفه نور، ج ۱۴: ۳۱). جامعه توحیدی در گروه افراد موحد است و

موحد شدن بستگی به تربیت افراد بر حسب فطرت آن‌ها دارد البته هرچند که تربیت چنین انسان‌های وابسته به فراهم کردن چنین محیطی است، بنابراین یکی دیگر از مبانی که مورد نظر امام(ره) است، فطرت است.

۲-۲. فطرت محوری

امام(ره) از دو نوع فطرت در وجود انسان سخن به میان می‌آورد؛ یکی فطرت اصلی که بیان‌کننده ابعاد و اموری فطری است که با جذب و عشق همراه است و همان فطرت عشق به کمال مطلق و خیر و سعادت مطلقه است و دیگری فطرت فرعی که در واقع تابع اولی می‌باشد و آن تنفر از نقص، شر و بدی است:

«یکی از آن دو فطرت، فطرت عشق به کمال مطلق و خیر و سعادت مطلقه است که در کانون جمیع سلسله بشر، از سعید و شقی، و عالم و جاهل و عال و دانی، است... و دیگری که سِمَت فرعیّت و تابعیت دارد، فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت است» (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲: ۷۷).

بنابراین امام(ره) با استناد به آیه ۳۰ سوره روم فطرت را جمیع معرف حقه می‌داند که خدا انسان‌ها را بر اساس آن آفریده است. وی معتقد است که از آنجایی که انسان‌ها در فطرت مشترک‌اند، بنابراین در صفات فطری مانند علم و جهل و عقل تفاوت نیست. اصل توحید، معاد، نبوت، آزادی، عدالت‌خواهی از امور فطری است.

امام(ره) معتقد است که فطرت انسان در ابتدا از هر گونه ظلمت و زنگار به دور است و ذاتاً حب به خیر و نیکی دارد و تنها تربیت نادرست و هوای نفس وی را به تباهی و تاریکی می‌کشاند(امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰). وی معتقد است که انسان از اول فاسد به دنیا نمی‌آید، بلکه از اول با فطرت خوب و الهی به دنیا می‌آید؛ کل مولود یولد علی الفطره که همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است و شکوفایی و عدم شکوفایی این فطرت بستگی به نوع تربیت آن‌ها و همین تربیت است که یک کشور را کشور مطلوب اسلام می‌کند یا آن را به تباهی می‌کشاند(صحیفه نور، ج ۱۴: ۳۳).

امام(ره) معتقد است که فطرت انسانی همانند معدن طلا و نقره خالص است و در فطرت خالصه جب حق تعالی است و اگر با محبت غیر حق تعالی اختلاط پیدا کرد، از خلوص خارج می‌شود و اگر با محبت دنیا و طبیعت آمیخته شود، این اختلاط باعث زنگار گرفتن صفحه قلب می‌شود و باعث می‌شود که دیگر حقیقتی که در آن است، آن گونه جلوه‌گر نشود(امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲: ۳۱۱).

امام(ره) بیان می‌کند که اگر چه انسان دارای فطرت و سرشت پاک و نیک است، اما دلیل بر این نیست که تمام افراد در مقام فعلیت نیکوکار باشند، زیرا رذایل و کمالات در طبیعت انسانی نهفته است. انسان بر حسب فطرت مجهز به جنود عقل و شناخت کمال مطلق است اما به علت رجوع به طبیعت (شجره خبیثه) سبب تنزل انسان از فطرت پاکش می‌شود(امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰)؛ بنابراین نیاز به جامعه‌ای است برای بروز و فعلیت رساندن فضایل که بالقوه در اوست. امام(ره) معتقد است که هیچ‌گاه نباید از هدایت و راهنمایی افراد دست برداشت و مدام در یک حالت خوف و رجاء برای بهبودی و رشد به سوی کمال تلاش کرد. امام حکومت و سیاست را زمینه برای پیاده‌کردن ارزش‌های والای انسانی می‌داند و بر همین اساس یکی از مبانی اساس تربیت سیاسی را فطرت‌گرایی می‌داند.

۳-۲. تزکیه محوری

امام(ره) یکی از مبانی تربیت سیاسی را تزکیه می‌داند به طوری که از تزکیه به عنوان یک عامل بسیار مهم برای رهایی از حکومت طاغوت و زمینه اصلاح جامعه نام می‌برد. امام اهمیت تزکیه محوری را تا حدی می‌داند که علت عقب‌ماندگی جوامع را به عدم تزکیه مرتبط می‌داند و معتقد است که راز عقب‌ماندگی ما مسلمانان این بوده که کسانی که در مصدر امور قرار گرفته‌اند انسان‌های تزکیه نشده و فرزانه‌ای نبودند(صحیفه نور، ج ۹: ۱۳۴). بسیاری از مسائل سیاسی مثل زیر بار رفتن ظلم و ظلم ستیزی را هم ناشی از عدم تزکیه می‌داند(صحیفه نور، ج ۱۸: ۴۹۹). امام(ره) معتقد است که:

«و کسانی که بر بشر می‌خواهند زمامداری کنند، اگر بخواهند که طغیان نکنند و کارهای شیطانی نکنند، باید تزکیه کنند خودشان را... این تزکیه برای دولتمردان، برای سلاطین، برای رؤسای جمهوری برای دولت‌ها و برای سردمداران بیشتر لازم است تا برای مردم عادی. اگر افراد عادی تزکیه نشوند و طغیان پیدا بکنند، یک طغیان بسیار محدود است... لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم او را پذیرفته‌اند یا در عالمی شد... در سلطانی شد... این گاهی یک کشور را به فساد می‌کشد و گاهی کشورها را به فساد می‌کشد»(صحیفه نور، ج ۱۴: ۳۸۷).

امام(ره) معتقد است که اساساً هدف اصلی انبیا مسأله حکومت نبوده است و آنان برای تربیت و تزکیه اخلاقی و روحی انسان‌ها مبعوث شده‌اند(همان: ۳۹۱).

یکی از دلایل تأکید امام خمینی(ره) بر تربیت و تزکیه نفس آن است که نفس تزکیه شده در راستای ارزش‌های الهی قرار می‌گیرد و سر اطاعت در پیشگاه خداوند فرود می‌آورد و به قدرت‌های غیر الهی بی‌توجه است. از این رو اهتمام بر این امر را بر همه‌ی آحاد جامعه لازم دانسته و ضرورت آن را برای

کسانی که با تربیت مردم سر و کار دارند، دوچندان می‌داند. بر همین اساس امام(ره) تزکیه را «در رأس همه امور» می‌داند و می‌فرماید: آن چیزی که در رأس همه امور است آن است که انسان اول نفسش را تهذیب نماید و در خلال آن به تهذیب مردم بپردازد. اگر انسان خودش مهذب نباشد، نمی‌تواند دیگران را تهذیب کند، حرفش اثر ندارد، بلکه تمام گرفتاری‌های جهان بشریت مسله عدم تزکیه و زنده بودن هواهای نفسانی است (صحیفه نور، ج ۱۴: ۳۹۱). امام(ره) تاکید می‌کند که گرفتاری همه ما برای این است که تزکیه نشده‌ایم. وی معتقد است که چه بسا افرادی که عالم هستند و تفکرات عمیقی دارند، اما به سبب این که تزکیه نشده‌اند خطرشان از خطر مغولان هم بالاتر است. غایت بعثت پیامبران الهی تزکیه است و اگر کسی که تزکیه نشده باشد در هر جایی که حضور بیابد چه در صحنه توحید و معارف الهی و چه در فلسفه و یا سیاست و غیره خطر این بر بشریت بسیار بزرگ است (همان). وی همچنین معتقد است که تزکیه برای هدایت انسان است و تا افراد تزکیه نشوند، امکان طغیان برای آن‌ها وجود دارد و بدون تزکیه هر چیزی چه علم یا سیاست و برای آن‌ها خطرناک است (همان: ۳۹۳). بر همین اساس یکی از مبانی اساس تربیت سیاسی را تزکیه محوری می‌داند و تزکیه را وسیله‌ای می‌داند برای رسیدن به توحید که مقصد و هدف غایی است (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۱).

۴-۲. اخلاق مداری

امام(ره) یکی دیگر از مبانی تربیت سیاسی را اخلاق مداری می‌داند. وی معتقد است که احکام اخلاقی اسلام، سیاسی است. مثلاً احکامی که درباره این که مؤمنین برادر هستند، این حکم هم یک حکم اخلاقی، هم سیاسی و هم اجتماعی است (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۳۰). امام(ره) اخلاق را حد میانگین قوای نفس و فضایل انسانی می‌داند و اصول اخلاق که عبارتند از قوه شهویه، عدلیه، علمیه و غضبیه را نقطه اتصال اخلاق و سیاست می‌داند و سیاست‌های غیر الهی و حکومت‌های طاغوت را بر جهات افراط و تفریط این قوا می‌داند (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳۶۶-۳۶۵). وی معتقد است که همان‌گونه که غایت دعوت و تلاش انبیاء کمال اخلاق است و اخلاق را پایه و ریشه‌های سیاست‌های سطح کلان می‌داند (صحیفه نور، ج ۴: ۱۷۶-۱۷۷). امام(ره) تا جایی پیش می‌رود که بیان می‌کند که اسلام همه‌اش سیاست است. از نظر امام(ره) همه بخش‌های اسلام (عقاید، اخلاق، احکام) سیاسی است و اسلام را بد معرفی کردند (صحیفه نور، ج ۱: ۲۷۰). امام(ره) نتیجه معارف آیات الهی و هدف انبیاء و اولیاء را بیدار کردن بشریت و هوشیار نمودن غافلان و کشاندن افراد از ظلمات و طبیعت و حالات حیوانی به سمت نور و عالم ملکوت و جبروت می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۸۸-۲۸۵).

امام(ره) بر اخلاق منبعث از موازین شرعی تأکید کرده و عقل عملی را با عمل صالح پیوند داده است. امام(ره) علاوه بر پذیرش این که حد وسط و میانگین بودن قوا، معتقد است که مباحث اخلاقی بایستی رغبت و شوق انجام عمل اخلاقی را هم پدید بیاورند که این ترغیب و عمل توسط ایمان فراهم می‌شود. اخلاق می‌تواند جلوی حرکت قهری و طبیعی انسان را به سمت طبیعت بگیرد و او را به سمت ملکات فاضله ببرد و تمایز انسان‌ها با همدیگر در کسب اختیاری فضایل است و کسب فضایل باعث می‌شود که تا انسان سیری رحمانی داشته باشد(اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳۳۹-۳۳۵). بنابراین بر اساس دیدگاه امام(ره) برای تحقق اخلاق، وجود حکومت دینی(سیاست) لازم است. و بر همین اساس یکی از مبانی تربیت سیاسی را اخلاق مداری می‌داند.

۳- مؤلفه‌های تربیت سیاسی در دیدگاه امام خمینی(ره)

با توجه به مبانی امام(ره) و جهان بینی او می‌توان گفت که مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر امام(ره) عبارتند از: آگاهی، خودشناسی، آزادی، استقلال، عدالت

۱-۳. آگاهی

یکی از مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر امام(ره) مؤلفه آگاهی است. تأکید بر مؤلفه آگاهی مردم در مقام تبدیل قدرت به اقتدار است. امام(ره) بیداری را شاخصه اقتدار می‌داند و هر ملتی که بیدارتر و آگاه‌تر باشد از اقتدار بیشتری برخوردار است. امام(ره) رشد و آگاهی سیاسی مردم را نه تنها تهدیدی برای حکومت نمی‌داند، بلکه آن را باعث رشد و تقویت و تثبیت حکومت می‌داند. برای مثال امام(ره) تأکید دارد که:

«من با کمال مباهات از رشد سیاسی و تعهد اسلامی ملت شریف ایران تشکر می‌کنم ... من در ایام آخر عمر امیدواری کامل و سرافرازی از نبوغ شما به سوی دار رحمت حق کوچ می‌کنم(صحیفه نور، ج ۸: ۱۱۴).

امام(ره) تأکید دارد که جامعه از هر جهت باید پیشرفته و آگاه باشد تا ملت بتواند منافع خود را بشناسد، زیرا اگر ملتی به درک و روشن بینی صحیحی برسد، دیگر از گزند حوادث به دور است و آسیب نمی‌بیند(صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۱۹). ایشان معتقد است که اگر دانشگاه‌ها و مراکز تربیت با برنامه‌های اسلامی و ملی و با آگاهی سیاسی پیش بروند، استعمار هرگز نمی‌تواند به غارت و ... دستبرد ببرد(همان: ۴۳۰-۴۲۹). امام(ره) معتقدند که:

«بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید، زنده شوید و مردگان را حیات دهید و در تحت پرچم توحید برای درهم پیچیدن دفتر استعمار سرخ و سیاه و خود فروختگان بی‌ارزش فداکاری کنید» (صحیفه نور، ج ۲: ۴۹۱).

طبق دیدگاه امام(ره) اگر تربیت سیاسی همراه با آگاهی و بینش و بصیرت باشد، دیگر نباید از استعمار و نفوذ او ترسید، زیرا اگر نظام تربیتی، افراد را با آگاهی سیاسی پرورش بدهند، دیگر دچار فریب‌های استعمار نمی‌شوند. برای مثال امام(ره) می‌فرماید:

«باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین‌المللی نکشند و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید» (صحیفه نور، ج ۲: ۴۱۷).

۲-۳. خودشناسی

یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیت سیاسی در دیدگاه امام(ره) خودشناسی است. امام(ره) تأکید دارد که بسیار میمون و مبارک است لحظه‌ای که بتوانیم خودمان را اصلاح کنیم. وی تأکید دارد که هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است، به طوری که اگر خود انسان تربیت نشود، نمی‌توان دیگران را تربیت کند و علت انحراف در بین سلاطین و حاکمان این بود که خود را اصلاح نکرده بودند، بنابراین امام(ره) تأکید می‌کند که اول چیزی که در ابتدا بر ما لازم است، اصلاح خود است (صحیفه نور، ج ۱۵: ۴۹۱).

امام(ره) مدام بر امر خودسازی تأکید دارد و معتقد است که در هر جایی که هستید چه در وزارتخانه یا اداره یا کارخانه در درجه اول متوجه باشید که افراد خودشان اسلامی هستند یا نه. اگر انسان خودش منحرف باشد، نمی‌تواند دیگران را هدایت کند. در این امر هیچ شکی نیست که اگر کسی خودش را اسلامی نکند، نمی‌تواند دیگران را به اسلام دعوت کند (صحیفه نور، ج ۱۲: ۴۹۸).

امام(ره) در اکثر آثار خود بر خودسازی تأکید دارد و بیان می‌کند که تا خود را اصلاح نکنیم نمی‌توانیم کشور را اصلاح کنیم (صحیفه نور، ج ۱۴: ۱۶) و معتقد است که هر کسی باید از خودش شروع کند و عقاید و اخلاق و اعمالش را با اسلام تطبیق بدهد و بعد از اصلاح خود به فکر اصلاح دیگران باشد (همان: ۲۴۴)؛ بنابراین طبق دیدگاه امام(ره) برای اصلاح کشور و به منظور تحقق انسان کامل نیاز به خودسازی است، بنابراین یکی از مؤلفه‌های تربیت سیاسی را تأکید بر خودسازی می‌داند.

۳-۳. آزادی

مؤلفه بعدی مد نظر امام(ره) در تربیت سیاسی، آزادی است. امام(ره) آزادی را برای جامعه مفید می‌داند و شخص آزاد می‌تواند به درجات بالایی از انسانیت برسد و جامعه‌ای که آزاد است، می‌تواند دارای

پیشرفت‌های علمی و صنعتی و اخلاقی بیشتری باشد. امام(ره) در ذیل بحث آزادی معتقد است که نه خدا و نه پیامبر اسلام به ما چنین حقی نداده که به ملت‌مان چیزی را تحمیل کنیم. امام(ره) آزادی راحق انتخابی می‌داند که انسان‌ها در رابطه با نوع زندگی خود دارد. البته تأکید دارد که حد و مرز آن را قوانین اسلام تعیین می‌کند؛ یعنی آزادی حد و مرز دارد. امام(ره) معتقد است که چون که تنها خداوند متعال است که مالک حقیقی هستی است و قادر بر همه چیز می‌باشد، بر همین اساس انسان باید تنها در برابر ذات مقدس او تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر این که اطاعت او اطاعت خدا باشد. بر این اساس هیچ انسانی حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و ما از این اصل آزادی بشر را یاد می‌گیریم که هیچ فردی حق ندارد انسان یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند و رفتار و روابط او را بر اساس شناخت خود که ناقص است و بر اساس امیال و خواسته‌های خود است تنظیم کند(صحیفه نور، ج ۴: ۱۶۶).

امام(ره) معتقد است که از این اصل، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ کس حق ندارد انسانی یا ملتی را از آزادی محروم کند(همان: ۱۶۶). ایشان معتقدند که آزادی یک نعمت الهی است و خداوند این نعمت و الا را به انسان داده است بر همین اساس آزادی برای انسان یک حق طبیعی است(صحیفه نور، ج ۲: ۶۷). وی تأکید می‌کند که ارزش زندگی و حیات وابسته به آزادی است و حق اولیه بشر است که آزاد باشد(همان: ۱۳۰-۱۳۱).

امام(ره) حدود آزادی را این گونه بیان می‌کند: اسلام انسان را آزاد آفریده است و حق تسلط بر خود، مال، جان و نوامیس‌اش را به او داده است. هر انسانی در مسکن آزاد است، در مشروب و ماکول و رفتار تا آنجایی که برخلاف قانون الهی نباشد، آزاد است(صحیفه نور، ج ۱: ۶۸). البته امام(ره) حد و مرز آزادی را قانون می‌داند و قانون را بر اساس تقوی بیان می‌کند(صحیفه نور، ج ۱۴: ۱۴۵).

امام(ره) با اعتقاد به آزادی انسان‌ها در ابعاد مختلفی مانند آزادی بیان، قلم، مطبوعات، احزاب و حتی آزادی انتخاب نوع حکومت و زمامداران موافق است و معتقد است که ما آزادی مطلق خواهیم داد و می‌دهیم و داده‌ایم اما نه برای توطئه و فساد، بلکه تأکید امام(ره) بر آزادی مطلق برای هدایت انسان‌ها در مسیر الهی است(صحیفه نور، ج ۶: ۱۳۹).

۴-۳. استقلال

یکی از دیگر مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر امام(ره) تأکید بر استقلال است، چرا که با حفظ استقلال است که تمامیت ارضی و حاکمیت ملی یک کشور از آسیب‌های احتمالی مصون می‌ماند. امام(ره) تأکید می‌کنند که:

«سعی شود که سفارت‌خانه‌ها تحت سلطه دیگران نباشند و تصرفاتی در آن‌ها از ناحیه دیگران نباشد. هر قدمی که بر می‌دارید به فکر این باشید که آیا روبه وابستگی می‌رویم یا به طرف رهایی و آزادی، و رابطه با کشورهای خارجی که نمی‌خواهند ما را ببلعند باید باشد و با آن‌ها که می‌خواهند از طریق روابط ما را وابسته بکنند هیچ لزومی ندارد و باید با احتیاط با آن‌ها برخورد شود(صحیفه نور، ج ۸: ۳۲۱)».

امام(ره) تأکید می‌کند که استقلال برای حفظ اسلام است و تأکید می‌کند که اگر جمهوری اسلامی از بین برود اسلام منزوی می‌شود.

«وصیت من به همه شما آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به پیش و بی‌تردید دست خدا باشماست... (صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۵۰)».

یا در جای دیگر بیان می‌کند که:

«وصیت من به وزرای خارجی چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور کشور را ندارند... (همان: ۴۷۲)».

امام(ره) معتقد است که سیاست ما همیشه بر حفظ آزادی و استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم(صحیفه نور، ج ۴: ۳۶۴). بنابراین حفظ آزادی عمومی، برابری منطقی، استقلال جامعه از اهم مؤلفه‌های تربیت سیاسی است.

امام(ره) معتقد است که بین مؤلفه‌های استقلال و آزادی رابطه مستقیم وجود دارد. استقلال بدون آزادی که همان ظهور اراده ملی و پشتوانه مردمی است دوام نمی‌یابد و آزادی نیز بدون وجود استقلال منجر به وابستگی و استحاله در نظام بین‌الملل خواهد شد. استقلال و آزادی موردنظر امام ریشه در اسلام و قوانین شرع دارد(امام، ۱۳۷۳: ۱۷۹-۱۷۵). از این بابت می‌توان گفت که نگاه حضرت امام(ره) به مؤلفه‌های تربیت سیاسی بر اساس جهان‌بینی عرفانی - اسلامی است. به اعتقاد حضرت امام(ره) ملت‌ی که می‌خواهد آزاد باشد و مستقل بماند باید بر ارزش‌های دینی و فرهنگی خود اتکاء کند استقلال بدون اتکا به این ارزش‌ها جز استبداد نخواهد بود. حضرت امام(ره) آزادی بدون استقلال را به آزادی وارداتی که جز بردگی و هضم شدن در نظام استکباری جهان نخواهد بود، تشبیه کنند.

۵-۳. عدالت

عدالت یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیت سیاسی است که امام(ره) به آن اشاره می‌کند. در حقیقت مهم‌ترین وظیفه انبیاء برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است که با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد. امام یکی از اهداف ارسال پیامبران را برپایی عدالت می‌داند و بیان می‌کند که خدای متعال می‌فرماید که انبیاء را ما فرستادیم آیات به آن‌ها دادیم میزان برایشان دادیم و فرستادیم... که مردم قیام به عدل و قسط کنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد(امام خمینی(ره)، ۱۳۷۹: ۸۰).

امام(ره) معتقد است که ملت ایران خواستار عدالتند و این عدالت جز در سایه اسلام و با قوانین اسلام نمی‌توان به آن رسید(صحیفه نور، ج ۵: ۳۹۲). امام مدام تأکید دارد که عدالت را اجرا کنید، عدالت را برای دیگران نخواهید، برای خودتان نخواهید(صحیفه نور، ج ۱۹: ۳۷۷) و به جهانیان بگویید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان، باید سر از پا نشناخت و از هر چیزی حتی مثل اسماعیل ذبیح الله گذشت، که حق جاودانه شود»(صحیفه نور، ج ۱۸: ۸۶).

از دید حضرت امام(ره) عدالت نه تنها کیفیتی نفسانی است که انسان را به رعایت تقوا و پاکی و انجام واجبات و ترک محرّمات می‌خواند، بلکه دارای بعد گسترده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هم هست(امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲: ۱۴۷) و لذا فضیلتی است که به نهادها، گروه‌ها، شؤن اجتماعی و جامعه نیز تعلق می‌گیرد و جامعه را به سامان می‌آورد و دنیا را اصلاح و سعادت دنیایی و اخروی فرد و جامعه را تأمین می‌نماید. به تعبیر حضرت امام(ره) با ایجاد عدالت و قسط در جامعه «انسان» ساخته می‌شود. انسانی که در مسیر حقیقت و صراط مستقیم حرکت می‌کند.

امام خمینی(ره) تحقق عدالت و قسط را چه در نفس و وجود فرد و چه در درون جامعه بشری یک تکلیف فطری و الهی و انسانی می‌داند که هر فردی از افراد جامعه نسبت به انجام آن مسئول است. مسئولیت انسانی ایجاب می‌کند که در برابر ظلم و بی‌عدالتی ساکت ننشیند و برای قیام به قسط برخیزد(همان: ۱۵۰). امام خمینی نیز در شرح حدیث جنود عقل و جهل (از بیانات امام هفتم(ع) (در مورد لشکریان عقل و جهل) عدل را از لشکریان عقل می‌داند و در این مورد بیان می‌کند که عدل صفت یا حالتی است مطابق فطرت مخموره انسانی(همان، ۱۳۸۲: ۱۴۹) بدین معنا که انسان طبعاً گرایش به قسط و عدل دارد و از ظلم و ستم نفرت دارد. طبع سلیم انسانی تمایل به عدل دارد و از ظلم و بیداد گریزان و رویگردان است. بعلاوه اگر عدل و قسط را به عنوان فضیلتی از فضایل نفسانی به حساب آوریم. بر این

اساس عدالت کمال است و ظلم و ستم و فقدان عدالت نقص هست. بر این اساس نیز عدل و قسط گرایش فطری در درون انسان است که از آغاز تولد با اوست و امری اکتسابی نیست، بلکه امری الهی و فطری می‌باشد.

نتیجه گیری

در دیدگاه امام(ره) مهم‌ترین دغدغه، تربیت انسان است و با توجه به نگاه عرفانی و اسلامی امام به انسان که برگرفته از قرآن و روایات معصومین است به دنبال تحقق ویژگی‌های الهی در انسان است و برای تحقق چنین ویژگی‌های نیاز به حکومت اسلامی است. امام(ره) سیاست را حفظ مصالح و سعادت حقیقی انسان‌ها می‌داند و تربیت سیاسی را قرار گرفتن افراد در مسیر سعادت حقیقی می‌داند. در اندیشه امام(ره) سیاست و هرگونه تلاش سیاسی به دو بخش الهی و غیرالهی تقسیم شده است. ایشان معتقدند که اگر تلاش مدیران، رهبران در جهت صلاح و معنویت و مصالح مردم باشد، سیاست الهی نام دارد و در غیر این صورت، سیاست شیطانی است. از نگاه امام(ره) حکومت بر جامعه آن گاه مشروعیت می‌یابد که بر اساس فرمان خدا استوار باشد. بر اساس این حقیقت، امام(ره) هرگونه حکومتی را که ریشه در خواست و فرمان الهی نداشته باشد و در راستای حکومت پیامبر و امامان شکل نگیرد، حکومت نامشروع می‌داند و آن‌ها را شایسته اطاعت نمی‌داند. امام(ره) برای تحقق چنین اهدافی، به دنبال تربیت سیاسی است و معتقدند که تربیت سیاسی روی آوردن آزادانه و آگاهانه به سمت ارزش‌های الهی است. براین اساس می‌توان عمده‌ترین مبانی تربیت سیاسی را از منظر امام(ره) توحیدمحوری، فطرت محوری، تزکیه محوری، اخلاق مداری نام برد و همچنین مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر ایشان آگاهی، خودشناسی، آزادی، استقلال و عدالت ذکر کرد.

منابع:

- اسکینز، کوئنتین، (۱۳۷۵)، *ماکیاولی*، ترجمه عزت الله فولادوند، چاپ سوم، خرمشهر: طرح نو.
- ارسطو (۱۳۷۸)، *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۱)، *تقریرات فلسفه امام خمینی(ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.
- افلاطون (۱۳۸۶)، *جمهور*، ترجمه: فواد روحانی، ویرایش هشتم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۲)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۷۹)، *ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی*، چاپ دهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، ۲۲ ج، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۷۳)، *گزیده‌های اندیشه و آرای امام خمینی(ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۶۸)، *وصییت نامه سیاسی- الهی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۶)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۹)، *حکمت اصول سیاسی اسلام*، قم: بنیاد نهج البلاغه.
- _____ (۱۳۷۱)، *جایگاه تعقل و تعبد در معارف اسلامی*، مجله حوزه، شماره ۴۹.
- حسینی اسم، غلامرضا (۱۳۹۰)، *نقش محوری انسان کامل در توسعه سیاسی متعالیه در اندیشه سیاسی امام خمینی*، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۱.
- عبدالحمید، ابوالحمد (۱۳۶۵)، *مبانی سیاست*، تهران: توس.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۲)، *بنیادهای علم سیاست*، چاپ دهم، تهران: نشر نی.
- فتاحی، یوسف (۱۳۸۸)، *رابطه اخلاق و سیاست با تأکید بر اندیشه امام خمینی*، فصلنامه حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره ۳.

- ریمون، ارون (۱۳۶۶)، *مراحل سیاسی اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان نشر آموزش انقلاب اسلامی.
- رودی، کلایمر (۱۳۵۱)، *آشنایی با علم سیاست*، ترجمه بهرام ملکوتی، ج ۲، تهران: سیمرغ.
- لواین، اندرو (۱۳۸۰)، *طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی*، ترجمه و تحشیه: سعید زیبا کلام، تهران: سمت.
- نقیب‌زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۵)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: طهوری.
- معین، محمد (۱۳۷۲)، *فرهنگ فارسی معین*، ج ۲، تهران: گلرنگ یکتا.